



۲۰۱۷/۱۰/۲۲

عارف عباسی

افغانستان کشور دارای نادار!

شرایط عینی زندگی اکثریت ملت، مطالعات، ارزیابی ها و ارقام، راپور های متعدد و استفاده از معیار های قوه خرید، فیصدی بیکار و تعداد بی سواد و عدم دسترسی به امکانات و وسایل مهم حیاتی همه گویای حالت فقر زندگی افغانستان بوده، بیش از چهل فیصد نفوس آن پائین تر از خط فقر شناخته شده بین المللی قرار دارد، یعنی از هر ۵ نفر ۴ نفر قدرت خرید مواد اولیه حیات را ندارند. علاوه بر تعداد بی کار ۳۵ فیصد، و پائین بودن سطح تولیدات ملی و کسر افراطی تجارت خارجی (۶ بلیون واردات و ۵۰۰ میلیون صادرات) شاخص های تعیین کننده فقر افغانستان است، که در فهرست ۱۸۷ مملکت جهان به نمره ۱۶۸ قرار دارد. گرچه راپور های مؤسسات بین المللی و بانک جهانی با استفاده از یک معیار اغوا کننده (عاید سرانه) تصویری غیر واقعی از رشد اقتصادی افغانستان ارائه کرده بود که منبع اصلی آن کمک های خارجی بود و نه عاید کل اجتماعی اقتصاد ملی.

با وصف تذکر این وضع مایوس کننده که باز هم نبود اراده قوی سیاسی، فقدان یک نصب العین انکشاف اقتصادی با تعیین رجحانات و اولیت ها، غیر حاضری حب وطن، فقر کلی دانش و اهلیت های مسلکی و نفوذ و اختیارات قوی حلقات خود اندیش و بی پروا ستمگران سودجو در برابر منافع ملی و ناکامی مطلق در تطبیق طرح ستراتیجی انکشافی (که به مصرف ۱۵ میلیون دالر کمک بانک جهانی در کنفرانس پاریس ارائه شد) و ناکامی در عملی ساختن بسته تصویب شده Afghanistan Compact سال ۲۰۰۶ کنفرانس لندن تغییر بنیادی در ارتقای سطح زندگی اکثریت رونما نگردید و اقدام مؤثری برای انکشاف اقتصاد ملی صورت نگرفت.

اما خوشبختانه بر اساس مطالعات علمی و ارزیابی های اقماری مصنوعی مؤسسات ذیعلقه نوید یک دارنگی بی حدی را برای افغانستان ارائه می دارد، که یک غنای بزرگ و نهفته دست ناخورده با ارزش غیر قابل باور در دل این خاک مدفون است یعنی این وطن بر گنج قارون لمیده است.

ارقام ارائه شده از موجودیت ۸،۳ بلیون بیلر تیل خام، در حوزه شمال بین بلخ و جوزجان، ۴۴۴ بلیون متر مکعب گاز طبیعی و ۵۶۲ میلیون بلر گاز مایع که به مراتب از نیازمندی افغانستان بلندتر بوده ظرفیت های صدور موجود است.

مطالعات موجودیت ۱۴۰۰ عنصر کمیاب پر ارزش دست ناخورده را در افغانستان نشان می دهد.

به اهتمام ولی احمد نوری

علاوتاً ذخایر و منابع بیرایت، کرومایت، ذغال، مس، طلا، سنگ آهن (آهن خام)، سرب، سنگ های قیمتی و نیمه قیمتی، نمک، سلفر، تلک، جست، جواهرات، زمرد، و عالی ترین جنسیت لاجورد، فیروزه و زمرد و یاقوت و عالی ترین جنسیت سنگ مرمر و سنگ چونه برای تولید سمنت در افغانستان موجود است. تنها ۱۸ کان مس و هفت کان لاجورد در افغانستان پیداست.

نحوه بهره برداری و عدم حاکمیت، مراقبت و نظارت دولت بر بهره برداری معادن و انواع سوء استفاده بحث طولانی و مشرح دیگری است که در این مختصر نمی گنجد.

Lithium « لیتیم» عنصر بس ارزشمندی است که در بستر جهیل ها و آب های ایستاده خشکیده به شکل کلوراید دستیاب می گردد و ذخایر غنی آن در هرات، نیمروز و غزنی وجود دارد و همچنان این ماده به نحو متحجر در بدخشان، ننگرهار، نورستان و کوه هندوکش وجود دارد و جنسیت «لیتیم» افغانستان همگون با مقادیر کوچک که در بولویا و چلی مورد بهره برداری است می باشد.

Lithium یک عنصر عمده در صنعت باتری های «فعال مجدد» یا Rechargeable برای سلولر فون ها، کمپیوتر های لپ تاپ و موتور های برقی به شمار رفته مورد تقاضای زیادی قرار دارد. گفته می شود که افغانستان با غنای این ماده همان طوری که عربستان سعودی از لحاظ ذخایر تیل مشهور و ثروتمند است بهره برداری لیتیم عین شهرت و ثروت را به افغانستان فراهم می سازد.

ماده دیگر با ارزش که Rear-Earth Elements نامیده می شود و من آن را مواد کمیاب زمین ترجمه کرده ام عنصری است که ندرتاً در کره زمین یافت شده و در صنایع الکترونیک ماده حیاتی شمرده می شود و همه کشور های صنعتی مخصوصاً چین عقب آن چشم درد می گردند.

ذخایر معتابه این ماده در منطقه خان نشین هلمند کشف شده.

همچنان ذخایر یورانیم در ولایت هلمند حدس زده می شود.

مقامات امریکایی ثروت های طبیعی افغانستان را به ۱ تریلیون دالر و وزارت معادن افغانستان آن را به ۳ تریلیون دالر تخمین و جناب حامد کرزی رئیس جمهور سابق به اساس مطالعات دقیق شخصی به کمک رنگین دادفر سپتا در سال ۲۰۱۳ آنرا به ۳۰ تریلیون دالر تخمین نمودند.

بحث ثروت ملی دیگر را که منابع آب کشور است به آینده موکول می سازم.

یکی از عوامل مداخلات بیرونی ها و جنگ و خون ریزی در افغانستان آرمان دست یابی و تسلط بر همین گنج قارون است. (۱)

گرچه وطن من و تو فقیر شمرده شده و با فقر دست گریبان است ولی در حقیقت طبیعت با آن سر لطف داشته از آن خزانه دار گنج های بزرگی ساخته و امید تغییر حالش به غنی ترین مملکت اگر در جهان نی بلکه در منطقه موجود و امکان پذیر است.

از من می‌رسید که چه وقت و چگونه ملت افغانستان صاحب خانه خود و مالک این ثروت سرشار می‌شود. ولی مطمئن استم که یک هزار دزد، جنایت‌کار، فاسق، مفسد مزدور بیگانه تا ابد درب خوش بختی را به روی افغانستان بسته نتوانسته، در حالی که تجزیه اش را در تصورم نمی‌گنجانم، بالاخر روزی خواهد رسید که فرزندان تاجک، ازبک، هزاره، پشتون، ترکمن، نورستانی، بلوچ و ایماق حاکمیت ملی را به دست آورده و مالک این هستی گردند. شاید این پیروزی در زندگی من به دست نیاید.

پایان بی پایان

